هفته نامهٔ
مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

سرمقاله

جرگهٔ صلح و پرسش های بی پاسخ ص۲

تدویر جرگه مشورتی ملی و تعطیلی دانشگاه پولی تخنیک کابل ص۳

دو روز تعطیل در هفته ص۳

دور ششم – سال دهم – شمارهٔ دوم ۱٤ حمل ۱۳۸۹ – ۱۷ ربیع الثانی ۱٤۳۰ - 03 April 2010

فرمان تقنینی رئیس جمهور در مورد قانون انتخابات توسط مجلس نمایندگان رد گردید

مجلس نمایندگان در جلسهٔ روز چهارشنبه ۱۱ حمل خویش فرمان تقنینی رئیس جمهور در مورد قانون انتخابات را با اکثریت قاطع آرا رد کرد.

در رخصتی های اخیر شورای ملی، رئیس جمهور قانون انتخابات را با تعدیلاتی در ۱۴ فصل و ۶۷ ماده بر اساس فرمان شماره ۴۳ توشیح نمود.

نمایندگان دلایل فراوانی برای رد این قانون عنوان می کنند. مشخص نبودن شمار کرسی های زنان، درنظر نگرفتن درجهٔ تحصیل نمایندگان، لازم قرار دادن ثبت دارایی نامزدان، عدم شفافیت در کمیسیون سمع شکایات، از جمله اعتراضات نمایندگان علیه این قانون است.

بر اساس مادهٔ ۷۹ قانون اساسی، رئیس جمهور می تواند، در ایام تعطیل شورای ملی، فرامین تقنینی را در صورت لزوم صادر نماید، اما این فرامین باید در مدت حد اکثر سی روز از آغاز دور جدید کاری شورای ملی، تحت مطالعهٔ مجلس نمایندگان قرار گرفته و نمایندگان دربارهٔ آن تصمیم بگیرند.



رئیس جمهور با رد این فرمان تقنینی خویش از سوی مجلس نمایندگان، واکنش تندی ابراز نموده آن را نمونهٔ مداخلهٔ خارجی خوانده است. وی گفته است مداخلات خارجی در زمان برگزاری انتخابات آغاز و تا کنون ادامه دارد.

او برای نخستین بار در تقلب گسترده انتخابات گذشته، خارجیان را مقصر اعلان نموده گفته است، آن تقلب ها کار خارجیان بوده است. ادامه در ص۵

سازمان ملل:

هفتاد درصد مردم افغانستان از فقر شدید رنج می برند

در یک گزارش تازهٔ سازمان ملل در مورد افغانستان گفته شده است یک سوم شهروندان افغانستان با فقر کامل روبرو بوده و یک سوم دیگر آن ها با دشواری می توانند برای زنده ماندن غذای خویش را بدست آورند.

در این گزارش که از سوی دفتر کمیشنر عالی حقوق بشر به نشر رسیده آمده است، با وجود آن که از هشت سال بدین سو ۳۵ میلیارد دالر کمک خارجی به افغانستان سرازیر شده است، اما هفتاد درصد مردم افغانستان در فقر به سر می برند و این میلیارد ها دالر هیچ نوع تغییر مثبتی در زندگی آنان به میان نیاورده است.

کمیشنر عالی حقوق بشر فقر در افغانستان را یکی از عوامل عمده نقض حقوق بشر می داند.



در مورد این که میلیارد ها دالر کمک خارجی نتوانسته است هیچ تغییری در زندگی مردم افغانستان به میان بیاورد، دلایلی زیادی عنوان شده است، یکی از این دلایل این است که قسمت اعظم این پول ها صرف معاش و سایر امتیازات خارجیان می گردد و بدین ترتیب این پول ها دو باره توسط کمک کننده گان به کشور های اصلی شان بر گردانده می شوند

عامل دیگر فقر در افغانستان توزیع غیر عادلانه ثروت و کار و موجودیت فساد گسترده در دستگاه دولت دانسته می شود این بی عدالتی و فساد، اقلیت کوچکی را مرفه و پول دار ساخته اما اکثریت مردم از مزایای کمک های خارجی و خدمات دولتی محروم مانده و بیشتر فقیر شده اند.

در حالی که اکثریت ماموران دولت از ۳۰۰۰ افغانی تا ۱۰۰۰۰ افغانی معاش دارند، یک اقلیت حدود ۱۵۰۰ کارمند از ۱۰۰۰ تا ۵۰۰۰ دالر امریکای معاش دریافت می کنند.

هم چنان فساد و رشوت گسترده نیز باعث فقر مردم و پول دار شدن شماری دیگر گردیده است، طبق بر آورد منابع معتبر بین المللی هر خانوادهٔ افغانستان مجبور می شوند سالانه بیش از ۱۰۰ دالر را به ماموران رشوه خوار دولت بپردازند. ادامه در ص۷



سفری در تاریکی! ص۲

داکتر عبدالله:

تقلب در انتخابات ریاست جمهوری توسط افغان ها صورت گرفته است

داکتر عبدالله کاندید پیشین ریاست جمهور افغانستان، طی یک نشست خبری به روز جمعهٔ هفتهٔ گذشته، ادعای حامد کرزی را که گفته بود در انتخابات ریاست جمهور در سال گذشته، تقلب توسط خارجی ها صورت گرفته بود رد کرد.

داکتر عبدالله تأیید کرد که در آن انتخابات تقلب گسترده یی صورت گرفت، اما گفت این تقلب ها توسط مسؤولین کمیسیون انتخابات که همهٔ آن ها تابعیت کشور را دارند صورت گرفته است.

داکتر عبدالله با طرح ضرورت تغییر در کمیسیون انتخابات افغانستان گفت قبل از هر انتخاباتی لازم است این کمیسیون تغییر کند و یک نهاد مستقل ملی برای برگزاری انتخابات به میان بیاید.

وی افزود در نظر دارد در انتخابات شورای ملی لستی از نامزدانی را معرفی نموده و برای موفقیت آن ها کمپاین نماید.

ادعای تقلب توسط خارجیان در انتخابات ریاست جمهور امسال که از سوی آقای کرزی مطرح گردیده است، توسط سازمان ملل و دولت امریکا نیز رد شده است.

فلیپ کرولی، سخنگوی وزارت خارجهٔ امریکا گفته است ادارهٔ باراک اوباما، این گفته های کرزی را رد می کند.

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس: کابل، عقب سینما بهارستان، کوچهٔ قصابی، دست چپ، کوچهٔ چهارم
شمارهٔ تلفن: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ و ۰۷۰۸۸۲۷۸۹۰
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo. com

سرمقاله

جرگهٔ صلح و پرسش های بی پاسخ

برگزاری نشست های مردمی و جرگه ها به منظور مشوره و رایزنی سنتی است که ریشه در باورهای دینی و رسوم ملی ما دارد. در صورتی که این نشست ها به هدف اصلاح امور و شناخت ره یافت ها برای دشواری ها و بحران ها صورت گیرد، کار پسندیده و شایسته است، اما اگر هدف جز این باشد و به منظور استفاده های گروهی و یا شخصی صورت گیرد و یا بر اساس طرح ها و برنامه ریزی های ناقص و نادرستی سازماندهی شود، دست آوردی در پی نخواهد داشت.

درمیان شماری اندکی از مردم این خوشبینی وجود دارد که جرگه یی که قرار است در دوازدهم ماه ثور امسال در کابل برگزار شود می تواند به آوردن صلح و قطع جنگ و خون ریزی در کشور کمک کند. اما شمار دیگر در مورد این جرگه خوشبینی چندانی ندارند.

کسانی که در موفقیت و نتیجه بخش بودن این جرگه دچار تردید اند، دلایل فراوانی عنوان می کنند:

اجندا و طرح این جرگه در اختیار مردم و حتی گروه های سیاسی و نهادهای مدنی قرار داده نشده است، تا هنوز مردم نمی دانند در این جرگه چه مسایلی مطرح می شود و روی چه موضوع هایی فیصله صورت می گیرد.

تا هنوز روشن نیست چه کسانی در این جرگه شرکت می کنند و نمایندگان کدام نیروه ها و گروه ها برای حضور در آن دعوت گردیده اند.

نقش جامعهٔ مدنی و گروه های مخالف و موافق سیاسی که تا کنون برای تقویت نظام کار کرند، چیست؟ این گروه ها و نهادها در این جرگه که قرار است روی مسایل عمدهٔ مملکت بحث صورت گیرد، چه نقشی دارند؟ آیا تا هنوز حکومت با این گروه ها و نهادها مشوره یی انجام داده و موافقت و حمایت آن ها را جلب نموده است یا خیر؟

مخالفان مسلح دولت که تا هنوز در برابر نیروهای بین المللی و دولتی جنگیده اند و ویرانی ها و تلفات زیادی را سبب شده اند، در چه سطحی در این جرگه شرکت می کنند؟

حامیان خارجی دولت آقای کرزی مانند امریکا و کشورهای دیگر عضو ناتو که عملاً کنترول کشور در دست آنهاست، در مورد این جرگه چه موضع گیری دارند؟ آن طوری که روشن است در استراتیژی امریکا و ناتو نابودی و تضعیف القاعده و طالبان به عنوان اصل مورد تأکید قرار گرفته و مذاکره و مصالحه با این گروه در استراتیژی آن ها جای ندارد. آیا دولت افغانستان موافقت حامیان خارجی خویش را به دست آورده است؟

جایگاه قانونی فیصله های این جرگه چیست؟ آیا این فیصله ها حیثیت الزامی دارند و یا مشوره و رایزنی های غیر الزامی می باشند؟ اگر فیصله های این جرگه الزامی باشد و این فیصله ها خواهان تغییر قوانین اصلی کشور گردد، تکلیف نهاد انتخابی و ملی شورای ملی و تکلیف قانون اساسی چه می شود؟

و باز این جرگه با دو جرگهٔ صلحی که در گذشته در کابل و اسلام آباد برگزار گردید و با وجود مصارف هنگفت هیچ دست آورد و نتیجهٔ مثبتی در پی نداشت چه تفاوتی دارد؟ اگر تفاوت نداشته باشد چه تضمینی وجود دارد که این بار این جرگه نتیجه یی به بار بیاورد؟

موفقیت این جرگه بسته به این سؤال و سؤال هایی دیگر است. در صورتی که برگزار کنندگان این جرگه بخواهند نتایج و دست آوردهای مثبتی داشته باشند، باید در مورد این پرسش ها بیندیشند و به آن پاسخ بگویند.

سفری در تاریکی!

وحید مژده

...خواب دیدم که به تنهائی در جادهء یک روستا قدم می زنم. بچه ها فقط رشته هائی از مهره به جای لباس بخود آویزان کرده بودند و در مقابل کلبه های دایره ای شکل بازی می کردند. وهمچنان که عبور می کردم، چند مرد پیرتر برایم دست تکان می دادند. اما کمی پیشتر رفتم. متوجه شدم که مردم با ترس از پشت به من نگاه می کنند و همچنان که نزدیک می شدم، به کلبه های شان فرار می کردند. صدای غرش یک پلنگ را شنیدم وبه داخل جنگل فرار کردم. پایم به ریشه ها و کنده های درختان گیر می کرد تا اینکه نتوانستم بدوم و وسط یک روشنائی خاص روی زانو هایم افتادم. نفس نفس می زدم و وقتی به اطراف نگاه کردم متوجه شدم که روز روشن به شب تار تبدیل شده است و یک هیئات غول آسائی به بلندی یک درخت ظاهر شد که یک ماسک روح مانند زده بود و یک لنگ بدور خود بسته بود. چشم های بیروحش به چهرهء من دوخته شده بود وشنیدم که با صدای رعد آسا می گوید که الآن وقتش است و با شنیدن صدا بدنم شروع به تکه پاره شدن کرد. گوئی دارم از هم پاشیده می شوم...

نقل از ترجمهء دری کتاب رویا های پدرم بقلم باراک اوباما صفحه ۴۱۲



جنگ در افغانستان ادامه دارد و تلفات نیروهای امریکائی نیز در مقایسه با سه ماه اول سال گذشته دوبرابر شده است. افغانستان مهمترین مسئله در سیاست خارجی امریکاست.

امریکا در افغانستان ملیاردها دالر آنهم در شرایط بحران عظیم اقتصادی هزینه کرده است و انترنشنل هرالد تریبیون می نویسد که وقتی امریکا جان هزاران سربازش را در افغانستان به خطر می اندازد و ملیارد ها دالر به افغانستان کمک می کند، احمدی نژاد به کابل می آید و در ارگ ریاست جمهوری علیه امریکا سخن می گوید؛ آیا سزای کمک امریکا همین است؟

بدون تردید امریکا از وضع حکومت داری در افغانستان راضی نیست. کرزی برای اوباما میراثی است از دوران بوش برایش باقی مانده است، درست مانند بحران اقتصادی که ثمرهء اقدامات غلط جمهوری خواهان است اما چه می توان کرد؟ امریکا گزینهٔ دیگری را نمی یابد تا آن را جاگزین کرزی کند پس امریکا مجبور است تا با حکومت فعلی مدارا نماید.

اوباما در استراتژی جدید خویش اعزام سی هزار سرباز جدید به افغانستان را تصویب کرد که بخشی از این نیروها همین اکنون به افغانستان رسیده اند. در استراتژی اوباما شکست یا حداقل تضعیف طالبان از راه نظامی در صدر اولویت هاست.

جالب است که از یکطرف مسئلهء افغانستان برای امریکا اینهمه اهمیت دارد ولی باراک اوباما از زمان رسیدن قدرت تاکنون سفری به افغانستان نداشته است. رسانه ها در امریکا از اوباما بخاطر این بی توجهی انتقاد نموده اند و در افغانستان اپوزیسیون کرزی به این باور افتاده اند که کرزی دیگر از چشم امریکا افتاده است!

دیر وقت یکشنبه ۲۸مارچ باراک اوباما در یک سفر غیرمترقبه به کابل آمد و مدت کوتاهی با رئیس جمهور کرزی دیدار داشت. او سپس به پایگاه هوائی بگرام رفت در جمع سربازان امریکائی سخنرانی نمود. او از سربازان امریکائی بخاطر جنگ علیه تروریسم تشکر و قدردانی کرد و در تاریکی همان شب افغانستان را ترک نمود و مجددا عازم کشورش گردید.

باراک به افغانستان آمد زیرا کم توجهی او به افغانستان در این اواخر موجب شد تا تریبیون ارگ ریاست جمهوری افغانستان بدست احمدی نژاد بیافتد. احمدی نژاد با استفاده از این

جالب است که از یکطرف مسئلهء افغانستان برای امریکا اینهمه اهمیت دارد ولی باراک اوباما از زمان رسیدن قدرت تاکنون سفری به افغانستان نداشته است. رسانه ها در امریکا از اوباما بخاطر این بی توجهی انتقاد نموده اند و در افغانستان اپوزیسیون کرزی به این باور افتاده اند که کرزی دیگر از چشم امریکا افتاده است!

فرصت این سوال را به صراحت مطرح کرد که امریکائی ها در افغانستان بدنبال چه هستند؟ احمدی نژاد در سخنان خویش صداقت ادعای امریکا در مبارزه علیه تروریسم را زیر سوال برد.

سفر کرزی به چین هم در امریکا بعنوان یک حرکت علیه خواست امریکا تلقی شده است و سفر شبانهء اوباما که ساعت ها را در پرواز بود تا با رئیس جمهور کرزی فقط نیم ساعت مذاکره نماید، برای یادآوری از برنامه ای است که قبلا باید کرزی آنرا عملی می ساخت. این مبارزه اکنون بیشتر تحت الشعاع تلاش برای مفاهمه با مخالفین مسلح دولت قرار گرفته است.

اما اوباما از این سفر کوتاه اهداف دیگری هم داشت؛ او به همسایه های افغانستان خاطر نشان ساخت که امریکا برای مبارزه با تروریسم به افغانستان آمده و این ماموریت را نیمه کاره رها نخواهد کرد. او باردیگر از عزم امریکا برای شکست طالبان سخن گفت و خاطر نشان ساخت که امریکا اجازه نخواهد داد که طالبان بار دیگر به قدرت برسند.

اوباما گفت که من می خواهم با قوت ابراز نمایم که همکاری ما با افغانستان همچنان ادامه خواهد یافت. ما در این مدت شاهد پیشرفت هائی در عرصهء نظامی علیه تندروی در منطقه هستیم؛ ماهمچنان می خواهیم که افغانستان پیشرفت های بیشتری در عرصهء تولیدات کشاورزی وانرژی بدست آورد و در زمینهء حکومت داری خوب، حاکمیت قانون و مبارزه با فساد نیز باید پیشرفت های بیشتری صورت گیرد.

اوباما در این سفر بار دیگر بر عزم امریکا برای شکست طالبان تاکید کرد و این درحالیست که قرار است در دوازدهم ماه ثور جرگهء ملی مشورتی صلح در کابل تدویر یابد. درعین حال مسئولین بلندپایهء امریکائی در افغانستان خبر از عملیات وسیعی در قندهار علیه طالبان داده اند که قرار است قبل از ماه رمضان امسال صورت گیرد.

اما نکتهء مهم اینکه اوباما از رئیس جمهور کرزی دعوت نمود تا در ماه می از امریکا دیدن نماید. در ماه می شش ماه مهلت برای مبارزه با فساد که قبلا به حکومت افغانستان داده شده بود به پایان می رسد در حالیکه گزارش های منابع بیطرف از وضعیت فساد اداری در افغانستان امیدوار کننده نیست. هرچند رئیس جمهور کرزی به صلاحیت های کمسیون مبارزه با فساد اداری افزوده و تلاش دارد تا بعضی از کسانی را که به فساد متهم اند دستگیر نماید و در این رابطه امر گرفتاری یکی از وزرای پیشین وزارت حج و اوقاف که اکنون در انگلستان بسر می برد نیز صادر شده است اما امریکا این اقدامات را که بیشتر سمبولیک است نمی پذیرد. کار اکنون به جائی رسیده که مقامات امریکائی در مورد خانواده و نزدیکان آقای کرزی از جمله برادرش نیز خواستار اقدامات جدی اند. این مسایل نمایانگر سردی روابط میان امریکا و حکومت افغانستان است.

امریکا در افغانستان فقط با مشکل قیام مسلحانه مواجه نیست بلکه مشکلات دیگری هم دارد که به اندازهء فعالیت های مخالفین مسلح چالش برانگیز است. اگر امریکا بصورت دقیق تر عمل نکند و سفر در تاریکی را ادامه دهد، امکان دارد تا خوابی را که اوباما سالها قبل دیده بود در افغانستان تعبیر شود.

تدویر جرگه مشورتی ملی و تعطیلی دانشگاه پولی تخنیک کابل



عبدالعلی کوهی استاد دانشگاه کابل

دانشگاه پولی تخنیک کابل در ظرف بیست سال اخیر، همواره محل نشست ها، جرگه ها و لویه جرگه ها بوده است.

در طی چند سال اخیر چندین نشست و لویه جرگه ها، مثل لویه جرگهٔ اضطراری، جرگهٔ قانون اساسی و سایر همایش های بزرگ دولت در این محوطه دایر گردیده است، در جریان این همایش و گرد همایی ها، جریان درس این دانشگاه مختل گردیده و فرصت فراگیری علوم را از دست داده اند. امسال نیز به بهانهٔ تدویر جرگه مشورتی ملی که قرار است، در هفتهٔ دوم ماه ثور در محوطه این دانشگاه تدویر یابد. دانشگاه پولی تخنیک و دانشگاه تعلیم و تربیهٔ کابل، که در جوار این دانشگاه موقعیت دارد، حدود یک و نیم ماه به تعطیل رفته است. در سال پار نیز این دانشگاه ها مانند سایر دانشگاه های کشور به بهانهٔ شیوع انفلونزای خوکی به مدت نزدیک به شش ماه تعطیل شد و محصلان از آموزش محروم شدند. دانشگاه های کشور با عجله و شتاب امتحان سال پار را از نیمهٔ ماه حوت آغاز کردند، تاجریان دروس دوباره از سرگرفته شود، اما چنین نشد و دانشگاه پل تخنیک دوباره تعطیل گردید. به طور یقین این تعطیلات به کیفیت و بازدهی این دانشگاه لطمه شدید وارد خواهد کرد.

در شرایطی که ما در حال بازسازی آموزش و پرورش در کشور قرار داریم، این بازسازی که اهمیت استراتژیک برای پیشرفت کشور دارد هر روز و هر ساعت تعلیمی برای مردم مخصوصاً برای جوانان ما ارزش فراوانی دارد. ضایع کردن

در شرایطی که ما در حال بازسازی آموزش و پرورش در کشور قرار داریم، این بازسازی که اهمیت استراتژیک برای پیشرفت کشور دارد هر روز و هر ساعت تعلیمی برای مردم مخصوصاً برای جوانان ما ارزش فراوانی دارد. ضایع کردن روزها و حتی ماه های تعلیمی ضربهٔ سنگین بر فرایند آموزش در کشور وارد خواهد کرد.

روزها و حتی ماه های تعلیمی ضربهٔ سنگین بر فرایند آموزش در کشور وارد خواهد کرد.

کسانی که چنین تصمیم هایی را می گیرند و با بهانه های سیاسی و غیرسیاسی، انفلونزا و یا جرگه دانشگاه های کشور را تعطیل می کنند، مرتکب اشتباه و خیانت بزرگ می شوند

زمامداران ادعا دارند که افغانستان کشور جرگه هاست و گاه و ناگاه بنا به منظورهای سیاسی و بازی قدرت به تدویر جرگه اقدام می کنند. حکومت باید محلی مناسبی برای این جرگه ها در شهر کابل سازد و محصلان و مردم را از این مشکل نجات دهد. شهر کابل در سال روان و سال های بعدی شاهد چنین همایش های بزرگ در خود بوده باشد. در صورتی که یک چنین وضع ادامه یابد. محصلان این دانشگاه ها از آن فوق العاده متضرر خواهند گردید. نه تنها در جریان این همایش محصلان متضرر می گردند، بلکه مردمان محل از آن بی تأثیر نمی مانند زیرا جریان تدویر این همایش در مسیری قرار گرفته است که بسیاری از مردم محل از کنار آن تردد و رفت و آمد می نمایند. در جریان تدویر این همایش جریان ترافیک درین مسیر مختل می گردد، که به دنبال آن، دشواری های، رفتن به محل کار، مکتب، شفاخانه، کار های عاجل و غیر مترقبه با مشکل مواجه می گردد. در صورت یقین یک محل مناسب و مطمئن برای تدویر، چنین جرگه ها و همایش های رسمی و دولتی نه تنها مشکل برخی از دانشگاه ها، مرفوع خواهد شد بلکه به مشکل مردمان محل نیز رسیدگی صورت خواهد گرفت توجه ورسیدگی به این مهم از اولویت کاری دولت است.

در تمام کشورهای دنیا ساختمان های بزرگی متعدد که دارای تالارها و خوابگاه می باشد، جهت برگزاری کنفرانس ها و گردهمایی ملی و بین المللی ساخته شده است. در حالی که در کشورما میلیاردها دالر کمک های خارجی حیف و میل می شود، دولت هیچ طرحی برای ساختن یک ساختمان و یا مجتمعی برای برگزاری گردهمایی ها در پایتخت و حتی در دیگر شهرهای بزرگ روی دست ندارد. اگر چنین ساختمان هایی اعمار گردد، می تواند هم از نگاه تأمین امنیت قابل اعتماد باشد و هم جای مناسبی برای همایش ها باشد و هم جریان آموزش جوانان را برهم نزند.

دو روز تعطیل در هفته

نسیم فقیری

برخی استدلال دارند که ادارات دولتی هم اکنون کم کار اند و در صورت رسمی شدن دو روز رخصتی این کم کاری بیشتر خواهد شد، اما این ارزیابی نادرست بوده، آنها در حقیقت علت های اصل کم کاری در ادارات دولتی را درست درک نکرده اند.

حکومت در نظر دارد که دو روز را در هفته تعطیل اعلام نماید. روز جمعه که طبق گذشته و بنابر حکم قانون اساسی کشور، روز تعطیل رسمی است و یک روز دیگر « شنبه» نیز به آن اضافه می گردد.

در مورد این طرح، موافقت ها و مخالفت هایی ابراز شده و نمایندگان مردم نیز از طریق رسانه ها نظرات مختلفی را ارائه کرده اند. گفته می شود که طرح به ولسی جرگه فرستاده شده و به زودی در مورد تصمیم گرفته خواهد شد.

موافقت: از دلایل مهم موافقت با این طرح، هماهنگی با دنیای خارج است، اکثر کشورهای دنیا از جمله کشورهای اسلامی دو روز تعطیل دارند. در این دو روز کار مندان ادارای فرصت می یابند تا به کار های شخصی و خانوادگی خویش برسند و یا استراحت نمایند. هر فردی که پنج روز از صبح تا عصر کار می کند، از نظر جسمی و روانی نیاز به استراحت و تفریح دارد و در صورت داشتن دو روز تعطیلی، می تواند آرامش به دست آورد و حتی به سفر های کوتاه برود و به امور مختلف زندگی غیر اداری، بپردازد. پس از سپری شدن دو روز، کارمند اداری با رفع خستگی و با نیروی تازه آماده می شوند تا پنج روز دیگر را به صورت مسلسل و تمام وقت کار نماید.

این یک طرح خوب است و هر گاه آن را تقلید از غرب نیز به حساب آوریم، یک تقلید خوب و بجا خواهد بود.

یکی از دلایل دیگر طرفداران این طرح این است که با دو روز رخصتی در مصارف دولت صرفه جویی می شود که به سود اقتصاد کشور خواهد بود.

مخالفت: این طرح مخالفانی نیز دارد. بعضی ها از لحاظ شرعی اشکال می گیرند و می گویند رخصتی روز شنبه مشابهت باکشورهای غیر اسلامی داردکه مشابهت با آن ها یک کار نارواست! بعضی ها فقط روز شنبه را به دلیل مقدس بودن نزد یهودیان، شایستهٔ رخصتی نمی دانند و اصرار دارند که از علما فتوا گرفته شود.

بعضی ها راه میانه را پیشنهاد می کنند و می گویند به جای شنبه، پنجشنبه تعطیل باشد.

برخی مخالفان این طرح استدلال دارند هر گاه دو روز در هفته رخصتی داشته باشیم. پس مردم ما، بخصوص آنانی که از ولایات به مرکز و یا از ولسوالی ها به مراکز ولایات بخاطر اجرای کار خویش می آیند و اگر دو روز رخصتی باشد باعث سرگردانی آنان می گردد...

واقعیت این است که در حال حاضر یک و نیم روز رخصتی عادی در هر هفته داریم و حتی در روز پنجشنبه، کار رسمی به صورت درست انجام نمی شود و مامورین قبل از پایان ساعات کار، اداره ها را ترک می گویند و راهی منازل و ولسوالی ها یا ولایات شان می گردند! یعنی در حقیقت اکنون نیز دو روز در هفته، رخصت هستیم! یکی از علت های که برخی مامورین در هفتهٔ یکی دو روز غیرحاضری دارند این است که آن ها به منظور انجام کارهای ضروری شخصی ناگزیر اند گاهی اداره را ترک بگویند.

هر گاه بصورت قانونی ، دو روز در یک هفته رخصت اعلام گردد، آنگاه ساعات کار اداری با امروز تفاوت نخواهد داشت، زیرا ساعات کار، حد اقل یک ساعت از امروز طولانی تر خواهد بود که نیم روز، کار در روز پنجشنبه را تلافی خواهد کرد و مامورین با اطمینان از داشتن دو روز رخصتی، در پنج روز به صورت درست و منظم به کار خویش خواهند پرداخت.

برخی استدلال دارند که ادارات دولتی هم اکنون کم کار اند و در صورت رسمی شدن دو روز رخصتی این کم کاری بیشتر خواهد شد، اما این ارزیابی نادرست بوده، آنها در حقیقت علت های اصل کم کاری در ادارات دولتی را درست درک نکرده اند. کارشناسان گفته اند که علت های کم کاری کنونی در ادارات دولت نبود انگیزه در میان کارمندان برای کار بیشتر، کمبود انضباط اداری، ضعف پیروی از قوانین و لوایح و پائین بودن ظرفیت درادارات و مهمتر از همه فساد اداری است.

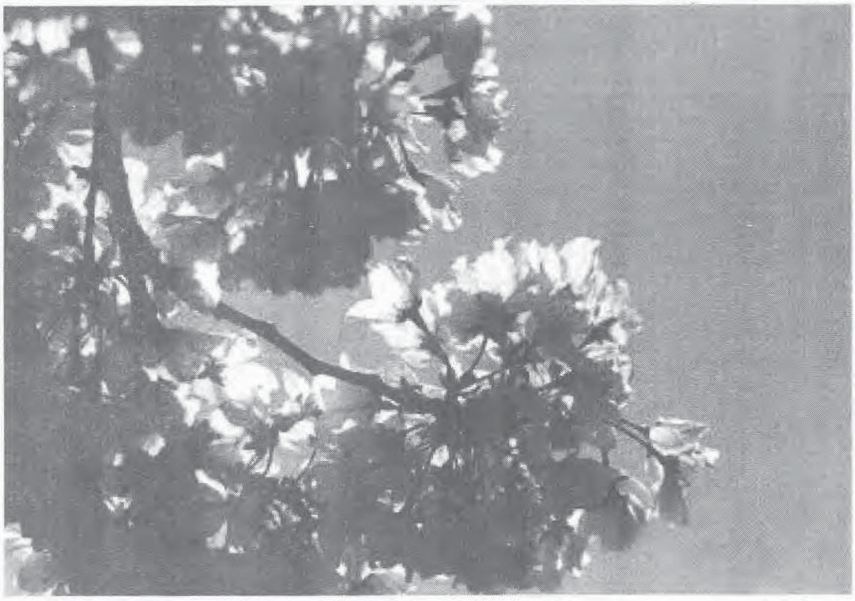
این منتقدان اگر می خواهند ادارات دولتی بیشتر فعال باشد و کارهای مردم سر وقت اجرا شود، باید به علت های اصل این مشکل توجه نموده آن را برطرف سازند.

ناگفته نماند که قانونا کارمندان اداری دولت مجبور اند از هشت صبح تا چهار عصر در ادارات حاضر باشند و در یک هفته شش روز کار کنند. در حالی که معلمان و استادان مراکز تعلیمی تا اندازهٔ از نگاه ساعات کار وضعیت بهتری دارند و علاوه بر آن می توانند سه یا چهارماه زمستان رخصت باشند، اما کارمندان اداری از چنین رخصتی هایی محروم اند.

برخی از نمایندگان پارلمان که با دو روز رخصتی مخالفت دارند، آن ها هم به علت های اصل کم کاری در ادارات دولت توجه نکرده اند و بدون دلیل با دو روز رخصتی مامورین اداری دولت مخالفت می کنند. اگر پیشنهاد شود که خودشان نیز باید تمام سال کار کنند و سه ماه رخصتی آن ها لغو شود، بدون شک اعتراض خواهند کرد و این پیشنهاد را نخواهند پذیرفت. در حالی که کار آنها مهمتر از کار های ادارات بوده به سر نوشت کشور ارتباط می گیرد. اما با وجود سه ماه رخصتی و اهمیت کار شان، شماری از آن ها در یک هفته چند روز غیر حاضر اند و اکثر روز ها به علت غیر حاضری و عدم تکمیل نصاب، جلسات ولسی جرگه تشکیل نمی شود.

هر خار و گُل آیینهٔ تعظیم بهار است

ملکزاد



ازآمد ورفت بهار ، به عنوان رستاخیز طبیعت و زندگی مجدد، می توان درس های فراوانی آموخت

بهار تکرار نشاطی است زود گذر وناپایدار؛ یعنی نماد ناپایداری دنیا و نعماتی که خدا به منظور آزمایش برای بندگانش ارزانی می فرماید و همین طور آمد و شد این فصل خوشگوار، عبرتی است بر این که انسان نباید زندگی، مال و جاه و منصبی را که به آن تکیه می زند، جاودانه پندارد.

وقتی که انسان با این حقیقت بیشتر آشنا گشت، توانایی آن را پیدا می کند تا از پدیدهٔ زشتی به نام غرور وتکبر و ظلم و... بیزار باشد و با پاره کردن پردهٔ غفلت از برابر چشمان خود، سعی به خرچ دهد تا حاصل اندیشه اش همواره عالی باشد و ارزشمند و در خور کسبِ رضای آفریدگار!

تفسیرِکوتاه بودن و بی ثباتی دنیا، در دو سه بیتی که از «پدر معنی ها» برگزیده ایم، به وضوح پدیدار است:

از صلای رنگ عیش انجمن غافل مباش
پاره هایی چند برخون جگر دارد بهار
چشم تا واکرده یی رنگ ازنظر ها رفته است
ازنسیم صبح دامن برکمر دارد بهار
ازخزان آیینه دارد صبح تا گل می کند
جزشکستن نیست رنگ ما اگر دارد بهار

بهار وجلوه های آن، همیشه گرانقدر ترین سرچشمهٔ الهام برای ارباب سخن است.

شعرا و نویسندگان برآنند تا از طریق آفریده ها و پیام های شان به عبرت آموزی بپردازند و مضامینی چون گذرا بودن عمر، نظیر: "برلب جوی نشین و گذرعمر ببین -کاین اشارت ز جهان گذران مارا بس" و نا پایداری زنده گی و اعتقاد پس از مرگ توجه ها را به سوی ذاتی که ایشان را آفریده، معطوف دارند.

این مسأله درس بزرگی برای نو به دوران رسیده ها نیز هست که برخی از آنان متاسفانه فکر می کنند باید با استفاده از مقام و جاه و مرتبتی که خدا به خاطرِ آزمایش برای انسان ها ارزانی می فرماید، بر دیگران فخر فروشی کنند و مرتکب گناه هایی شوند و دمی در فکر فردای زندگی و نام و شهرتی که از ایشان باقی می ماند، نباشند.

در حالی که به مصداق فرمودهٔ ابوالمعانی بیدل رح:

"آرایش کرو فر دنیا همه هیچ است
زان پوست مجو مغز که از آبله جوشد"

پس برای انسانی که به چشم خود مشاهده می کند:

"زین چمن رنگ گلی نیست نگرداند رنگ"

بلا فاصله به خود این را تلقین می نماید:

"با خبرباش که امروز تو فردا دارد"

حاصلِ درک این حقیقت چیست؟ انسان باید به ناتوانی خود معترف باشد و از دست یازیدن به ظلم وگناه اجتناب ورزد؛ بهارگستری و بهارآوری کند و از زمستان کیشی و خزان طینتی بپرهیزد و به اعمال و کارهایی دست نیازد که شرمساری و ندامت در قبال می داشته باشد و نام بدی در تاریخ زندگی او ثبت می گردد، و بداند:

"جهان قلمرو مشق سیهکاری نیست
چو امتحان قلم از نقطه جا به جا مگذار"

درس بهار ، درس دل از کینه شستن است و محبت پیشه کردن و صلهٔ رحم داشتن و برخورد نیک و معاملهٔ نیک و اعمال وکردار پسندیده برگزیدن.

انسان، درسِ خوبِ دیگری که از مدرسهٔ بهار فرا می گیرد، این است که این فصل علاوه بر اعطای شادابی و سبزسازی، فرحت آفرین و گوارا و لطف انگیز و دارای تبسم گیرا و لبخند دلپذیر نیز است. برخلاف زمستان، که مظهری از ترش رویی است وخستگی گستری.

آسمانِ زمستان اکثراً گرفته وعبوس است. پس آدمی باید به گونهء بهارخنده روباشد و خستگی زدا ودل هایِ آدمی در دوام یافتن کدورت و تُرش رویی و زمستان گستریِ سپهر، بیشتر رو به خستگی و ملال می گذارد.

انسانها هم، اگر خنده رو و کشاده جبین نباشند، اسباب ناراحتی را فزون می سازند و به میزانِ خستگی های همنوعان شان می افزایند:

"ابنای زمان منفعل چین جبین اند
بیدل ثمر عطسه دهد سرکه چشیدن"

رسول کریم "صلی الله علیه وسلم" تبسم برچهرهٔ برادر را صدقه عنوان فرموده اند:

"هرکارنیک صدقه است، از جملهٔ کارهای نیک این است که با پیشانی باز و خندان استقبال مردم کنی و از جمله نیکی این است آبی که در ظرف داری، درظرف برادر خود بیندازی".

و در جای دیگری ارشاد فرموده اند که:

"تبسمک فی وجه أخیک صدقه" (تبسم تو در برابر برادر تو صدقه است).

با در نظر داشت پیوندی که این مسأله با موضوع «بهار» دارد، می سزد تا نکات بیشتری در ذیل ارائه داریم و آن اینکه:

طوری که درفوق خواندیم، یکی از صدقه های جاریه "وادار ساختن مردم به خوبی ها و منع آنها از انجام بدی ها" می باشد.

بهار ، آن گونه که ، به مصداق سخن سعدی"رح":

"ابر و باد و مه و خورشید فلک در کارند
تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری

سرگرم به سررساندن کارهای نیک ومنفعت رساندن برای انسان و حیوان و طبیعت است، همین طور می تواند دست اندر کار و یا عامل دور کردن بسا از چیزهایی نیز گردد که سبب اذیت و تکلیف دیگران می گردد.

مثلاً خصلت سیراب سازی، کاریست که به وسیلهء ابر بهاران انجام می پذیرد. چنانچه مولانای بلخی می فرماید:

"ز ابر گریان شاخ، سبز و تر شود
نور شمع از گریه روشن‌تر شود"

شکی نیست که آب، این مظهر حیات، یکی از مبرم ترین نیازها و احتیاجات، برای گیاه و درخت و انسان و حیوان محسوب می شود.

و یا مثلاً باد، به ویژه نسیم سحرگاهی یکی ازخصوصیاتش این است که غنچه های درختان را به بیدار شدن و شکوفه بستن و متعاقباً به برگ وبار نشستن وا می دارد...

این پدیده ها را زمانی می توان محسوس و مشهود دید که سال تحویل شود و فصل بهاران فرابرسد.

از تأثیرات دیگر بهار ـ که پیامبر بزرگوار اسلام آن را (صدقه) عنوان فرموده اند ـ دور کردنِ خار و رویاندن گل درسینهٔ خاک به جای آن می باشد. این از لطف بهار است که خار یا یکی از چیزهایی که همواره به عنوان نمادی از اذیت رساندن و آزار دادن تعبیر شده است، از برابر چشم انسان و یا از زیرگام هایِ آدمیان برطرف ساخته می شود.

پس برای انسان است تا روشِ بهاری را برخود برگزینند، یعنی مصدر خیر و ثواب در جامعه گردد و به جاری ساختن صدقه و رساندن خیر به دیگران مبادرت ورزد.

یکی از مشاغل خیر و مظاهرخدمت به مردم و جامعه و جاری ساختن صدقه، باغبانی وکشاورزی می باشد که غرس کردن نهال برزمین شامل آن است. نشاندن نهال وآب دادن و پرورش دادنِ درخت، کاری است که پیامبرگرامی اسلام به آن جداً تاکید فرموده اند.

"درخت یکی از زیباترین مظاهر خلقت و جلوه ای از تجلیات آفریدگار عالم است. درخت نماد آبادانی و شاخص سبزی و خرمی و مظهر زندگی و باعث تلطیف هوا و موجب آسایش و رفاه آنان و صفا و پاکی طبیعت می باشد، حتی یکی از مواهب و نعمت های خداوند در آخرت و یکی از ویژگی های بهشت و رضوان حق تعالی که در آیات کریمه و روایات شریفه بارها به آن اشاره شده است، **"جناتی است که از زیر درختانش نهرهایِ گوارا جاریست"** که البته در میان این اشجار، درختان میوه دار نیز وجود دارد. میوه هایی که از نظر ظاهری مشابه با میوه های دنیاست ، ولی از جهت مزه و مرغوبیت قابل قیاس نمی باشد".

یکی از مصائب و آفات بزرگی که متأسفانه دامنگیر جامعهٔ ما گردیده و باعث شیوع آفت خشکسالی شده، همانا قطع اشجار و قلتِ درختان مثمر و غیرمثمر است که علاوه از کاهش نما و زیبایی طبیعت، موجب کاسته شدن باران های موسمی نیز شده است.

رسالت ما در پهلوی اینکه سعی بیدریغ به خرچ دهیم تا در سرسبزی خاک به وسیلهٔ غرس نهال و سبزه وگل نقش مؤثر و سازنده ایفا کنیم، این است که مبارزهٔ بی امان در راستای جلوگیری ازقطع درختان به عمل آوریم. اهمیت این مسأله در ارشادی از حضرت پیامبر اکرم « لی الله علیه وسلم"، اینگونه بازتاب یافته است:

"نیست هیچ مسلمانی که بنشاند نهالی را و یا کشت نماید زراعتی را و از آن درخت ویا کشت آدمی ویا پرنده ویا حیوانی بخورد، مگر اینکه باشد برای وی صدقه". ادامه درص۶

ادامه درص۶

ناز شگوفه

ثامر

شد بهار و خنده زن شد باز گلها هر طرف
می خرامد آهوان در دشتِ خُضرا هر طرف
بسکه بنماید شگوفه نازها در شاخسار
بلبلان از شور و عشق افگنده غوغا هر طرف
رازها در سینه دارد جلوهٔ فصل بهار
بین که خندد مهر و غُرّد ابر و دریا هر طرف
ناف آهوی خُتن شد مُشک بیز اندر دمن
دُخت گُل در کف گرفته جام و مینا هر طرف
از وزیدن های باد صبحگاهی در چمن
کاکل گُل می نماید عطر بالا هر طرف
دیده بکشاکن نظر بر دشت و دامان وطن
مخملین پوش است اکنون کوه صحرا هر طرف
زمهریر از پا فتاد و قامت سرما شکست
بنگر اکنون شور و شوق پیر و برنا هر طرف

حمل ١٣٨٩ کابل

فرمان تقنینی رئیس جمهور در مورد قانون انتخابات توسط مجلس نمایندگان رد گردید



در هیچ کشوری حتی بسیاری از کشورهایی که متهم به نداشتن نظام دموکراتیک هستند، اعضای کمیسیون انتخابات توسط رئیس جمهور تعیین نمی شوند. بسیار واضح است که این کار را آقای کرزی فقط برای اعمال نفوذ در کار کمیسیون و دست زدن به تقلب در آراء انجام می دهد.

رئیس جمهور از پیترگالبریت معاون سابق سازمان ملل در افغانستان و گلن فلیپ سرپرست نمایندگی اروپا نام برده آن ها را متهم کرده است که تقلب ها را به نام او به مطبوعات دنیا گزارش داده و او را در سطح جهان بدنام ساختند.

آقای کرزی روی حضور خارجیان در کمیسیون سمع شکایات انگشت گذاشته آن را نمونۀ مداخلۀ خارجی در امور افغانستان خوانده است.

در انتخابات ۲۹ اسد، کمیسیون شکایات انتخاباتی که سه تن آن خارجی بودند، بیش از یک میلیون آرای آقای کرزی را تقلبی تشخیص دادند که بر اساس آن انتخابات به دور دوم رفت.

آقای کرزی بر اساس خشمی که از ناحیۀ آشکار شدن تقلب در انتخابات دارد در فرمان تقنینی خویش عضویت اعضای غیر افغان در کمیسیون شکایات انتخاباتی را لغو کرد، اما بعداً بر اثر فشار بین المللی آماده شد عضویت دو تن غیرافغانی را در این کمیسیون بپذیرد.

صاحب نظران علت الغا و کاهش شمار خارجیان در کمیسیون سمع شکایات انتخاباتی از سوی آقای کرزی را زمینه سازی برای انجام تقلب از سوی حکومت در آینده می دانند. گروه های مخالف پیش بینی می کنند آقای کرزی قصد دارد در انتخابات پارلمانی امسال مانند انتخابات ریاست جمهوری، تقلب های گسترده یی را سازماندهی نماید تا پارلمان آینده را از افراد هوا خواه و فرمانبردار خویش تشکیل دهد و مانع راه یافتن مخالفان سیاسی در شورای ملی شود.

مخالفت با حضور خارجیان و انتخاب تمام اعضای کمیسیون سمع شکایات توسط خودش به همین منظور صورت می گیرد.

اما مجلس نمایندگان با اطلاع از چنین برنامه یی، قانون توشیح شدۀ رئیس جمهور را با اکثریت قاطع رد نمود.

رد این فرمان تقنینی رئیس جمهور از سوی مجلس نمایندگان، دور جدید کشمکش میان نمایندگان مردم و آقای کرزی را به میان می آورد، در صورتی که فیصلۀ نمایندگان از سوی حکومت نادیده گرفته شود، حکومت افغانستان یک گام دیگر به سوی دکتاتوری و تضعیف نهاد انتخابی شورای ملی نزدیک می گردد.

راستی رئیس جمهور که طرفدار افغانی سازی ساز و کار انتخابات است و می خواهد آن را مردی و کشوری کند، چرا به مطالبات قانونی مردم مبنی برمستقل کردن و بی طرف کردن کمیسیون انتخابات تن در نمی دهد. در کجای دنیا غیر از حکومت آقای کرزی اعضای کمیسیون انتخابات توسط رئیس جمهور تعیین می گردند؟ در هیچ کشوری حتی بسیاری از کشورهایی که متهم به نداشتن نظام دموکراتیک هستند، اعضای کمیسیون انتخابات توسط رئیس جمهور تعیین نمی شوند. بسیار واضح است که این کار را آقای کرزی فقط برای اعمال نفوذ در کار کمیسیون و دست زدن به تقلب در آراء انجام می دهد.

اکنون که رئیس جمهور با صراحت اعلام نموده است در انتخابات ۲۹اسد تقلب صورت گرفته باید کمیسیون انتخابات را که مسؤول برگزاری آن انتخابات بودند به میز محاکمه بکشاند و در صورتی که آن ها مجرم شناخته شوند باید مجازات گردند تا عبرتی باشد برای مسؤولین آیندۀ انتخابات که دیگر به چنین تقلب و خیانتی دست نزنند.

اما این شاید یک آرزوی ساده لوحانه باشد، آقای کرزی نه تنها این که مسؤولین انتخابات را محاکمه نمی کند بلکه از کار آن ها رضایت نشان داده و اعتمادش به آن ها بیشتر شده است.

سفر رئیس جمهور به ایران و اتهام ارسال اسلحه به طالبان



شواهد حاکی است آقای کرزی جلب حمایت همسایگان را به عنوان یک استراتیژی به راه انداخته است. دعوت رئیس جمهور ایران به افغانستان و سفر آقای کرزی به پاکستان ، متعاقب آن سفر به چین و همچنان اخیراً سفر به ایران را می توان در این راستا مورد تحلیل قرار داد.

برخی گمان می کنند هدف استراتیژی جلب حمایت همسایگان از سوی آقای کرزی، ایجاد موازنه در کشور میان نفوذ امریکا و ناتو و اتحادی از کشورهای همسایه و قدرت های منطقوی و کاهش فشارهای حامیان غربی اش می باشد، اما شماری دیگر عقیده دارند این سیاست آقای کرزی به منظور به دست آوردن تفاهم کشورهای همسایه برای پایان مداخله و قطع حمایت از شورشیان صورت می گیرد.

با آن که این دو نظریه در مسیر متفاوتی پیش می روند، طبعی است اگر منظور آقای کرزی از ایجاد اتحاد منطقه ای کاهش فشارهای حامیان غربی اش باشد، این رویکرد مورد حمایت امریکا و کشورهای اروپایی قرار ندارد، حتی سیاست ایجاد تفاهم در میان کشورهای همسایه به منظور قطع حمایت از طالبان نیز ظاهراً به صورت کامل از حمایت متحدان آقای کرزی برخوردار نیست، مخصوصاً تلاش آقای کرزی برای توسعۀ رابطه با کشور همسایه ایران سازگار با سیاست های کلان قدرت های جهانی در افغانستان به نظر می رسد، در حالی که رئیس جمهور از همسایگی نیک ایران حرف می زند و کمک های آن کشور را در اجرای پروژه های عمرانی در افغانستان موثر می داند. امریکا ایران را متهم به مداخله در امور افغانستان و حمایت از طالبان می کند.

مایک مولن رئیس ستاد مشترک نیروهای امریکا در سفری که به دنبال مسافرت رئیس جمهور آن کشور به افغانستان در هفتۀ گذشته داشت، ادعا کرد که ایران به طالبان تسلیحات تهیه می کند. او اظهار داشت که چند روز پیش ایران به طالبان در قندهار سلاح فرستاده است.

امریکا برنامه یک عملیات وسیع علیه طالبان در ولایت قندهار را روی دست دارد. مولن گفته است در گذشته نیز گزارش هایی وجود داشت که نشان می داد ایران در امور افغانستان مداخله می کند.

در حالی که صاحب نظران اعتقاد دارند پایگاه اصلی طالبان در خاک پاکستان قرار دارد و این گروه از حمایت آن کشور برخوردار است. امریکا ظاهراً از این حمایت پاکستان حرفی نمی زند. اخیراً چند تن از رهبران دست اول طالبان که در میان آن ها ملا برادر فرد شماره دوم طالبان قرار داشت، در شهر کراچی از سوی حکومت پاکستان دستگیر گردید. اما امریکا نه تنها این که در برابر پاکستان خاموشی اختیار نموده بلکه در این روزها رهبری نظامی پاکستان در واشنگتن روی همکاری استراتیژیک میان دو کشور با رهبران امریکا به توافقاتی دست یافته است.

برخی باور دارند اتهام حمایت طالبان از سوی ایران را که امریکا مدعی آن است، بخشی از فشارهای بین المللی بر رهبری امریکا علیه ایران به علت برنامه های اتمی آن کشور می باشد.

سروصدا علیه مداخلۀ ایران و خاموشی در برابر پاکستان، سوال های زیادی را در مورد سیاست امریکا در افغانستان به میان آورده است. آیا امریکا واقعاً قصد مبارزه با القاعده و یا طالبان را دارد و یا این جنگ بهانه است برای هدف های دیگر؟

تهاجم قانون غرب در کشورهای اسلامی

سیدعنایت الله شاداب
استاد دانشگاه کابل/قسمت سیزدهم

دولت های استعماری برای حمایت از منافع خویش در مناطقی که آنها را مراکز تجارتی خود حساب می کردند، نیروهای نظامی تشکیل داده و به سوی آن کشورها گسیل داشتند که خود زمینه ای شد برای تحت سلطه قرار دادن آن مناطق، همان گونه که قوانینی را در این راستا نیز صادر کردند؛ تا به حضور خویش در این مراکز صبغهٔ قانونی بخشند.

سلطهٔ نظامی کشورهای استعماری بر کشورهای اسلامی، بعد از وابستگی اقتصادی امالک اسلامی، از همین نقطه آغاز می شود.

دولت های استعماری برای تحکیم سلطهٔ نظامی خویش، در پی آن شدند که سلطهٔ فرهنگی خود، در کشور های اسلامی را، نیز تقویت نموده و آنها را خلع انگیزه های مقاومت نمایند و اوضاع و احوال قانونی آنها را تنظیم نمایند. محور های سه گانهٔ ذیل، حلقه های به هم پیوسته یی را به نمایش می گذارند که یکی نتیجهٔ دیگری بوده و اسباب مؤثر خارجی در این بحث را همین محور ها تمثیل می نمایند که ذیلاً به آنها اشاره می شود:

غارت اقتصادی:

فعالیت های اقتصادی در همه اشکال آن یکی از پایه های اساسی زندگی دولت ها و حتی مهمترین آن در ساختار روابط و رهبری سیاست جهانی در عصر کنونی به شمار می رود، از خلال قرائت گذشته و نگاه و تأملی نسبت به آینده، چنین معلوم می شود که جهان به گونهٔ تدریجی به عالمی تبدیل می شود که اعتبارات اقتصادی همه چیز را تحت الشعاع قرار داده و مراکز قدرت در جهان سیاست، در آینده همانا مراکز ی اقتصادی خواهد بود، نه مراکز سیاسی و یا نظامی(۱).

سرمایه داری که در پایان قرن هژده از نظر آدم سمت، مالتوس، وایکاردو به منظور ایجاد یک نظام جهانی، برای زندگی در زیر چتر آزادی اقتصادی، آغاز یافته بود، به سلاحی تبدیل شد که از آن در رهبری و به کرنش واداشتن دولت های فقیر و حتا تحت سلطه قرار دادن آنها بدون جنگ، استفاده به عمل آمد.

دولت های غنی و برخوردار از قدرت ها اقتصادی همین اکنون هم در برابر دولت های فقیر و نا توان از پرداخت بدهی های خود در چنین سنگری، بر خورد می کنند.(۲)

نظری به گذشته و به گونهٔ مشخص به پایان قرن پانزده نشان می دهد که فعالیت های تجارتی جهانی که عرابهٔ آن را مسلمانان (عرب ها، اهل هنود و ایرانیان) به پیش حرکت می دادند، چگونه از یک عملیهٔ انتقال و تبادل کالا و تولیدات تجارتی مجرد درمیان شرق و غرب که در به دست آوردن منافع مادی محض خلاصه می شد، به تلاش سیاسی منظم و سازمان یافته یی تبدیل شد که گرفتن زمام تجارت شرق از دست مسلمانان و تابع ساختن دولت ها و چپاول ثروت ها و محصول تلاش های آنان، به دست اروپاییان، محور همه تلاش های آنها را تشکیل می داد، همان اروپاییانی که از تجارت به حیث یک وسیله در راستای تحقق عظمت خویش در اثر تحولات سیاسی و اقتصادی و اجتماعی که اروپا بعد از عصر رنسانس شاهد آن بود، استفاده کردند، تحولاتی که خود زادهٔ ظهور دولت های قومی و شدت کشمکش در میان آن ها بخاطر تحقق منافع خود، بر طبق همان اصل ماکیاوی که « هدف وسیله را توجیه می کند» بودند، کشمکش هایی که بدون درنگ، به بیرون اروپا انتقال یافت، به جایی که بستری برای رقابت و کشمکش در میان آنان، تا توانسته باشند، بازار، و مستعمرات بیشتری را بدست آورده و از امکانات آنان در کشکش های محلی خود استعانت جویند.

بدون شک تجارت خارجی راهی برای تحقق این مأمول به حساب رفته به ویژه آن که رابطه بین حکومت ها و تاجران در محدودهٔ مبادی مکتب تجارتی به حیث وثیقه در راستای توجیه سیاست اقتصادی، مورد شناسائی قرار گرفت، تا با سیاست عمومی دولت همگام باشد، سیاستی که اجراآتی چون ایجاد صنایع وطنی، تنظیم تجارت موافق به منافع ملی و برقراری ارتباط محکم با دولت مستعمره را سر دست گرفت.(۳)

این پیمان نه قراردادی بود و نه هم محدود به زمان معین، بلکه یکی از عرف های مقولهٔ قدرت برای به دست آوردن ثروت در راه تحکیم سلطهٔ دولت است.(۴)

اروپا هرگز فراموش نکرده بود که یکی از اسباب شکست آن در جنگ های صلیبی همان برتری اقتصادی مسلمانان بود که از طریق حاکمیت بر تجارت جهانی، بدان رسیده بودند.(۵) درک این حقیقت اروپاییان را واداشت که در به دست آوردن مستعمرات به رقابت پردازند، تا از آن ها به حیث بازار فروش تولیدات خود استفاده نموده و نیز منبعی باشند برای تأمین مواد اولی مورد نیاز صنایع آن ها.

شرکت های مختلف احتکاری اروپایی (هایلندی، پرتگالی، اسپانوی، فرانسوی) در راستای تحقق این هدف نقش برازندهٔ را بازی نمودند.

مطالعه گذرای تاریخ مشترک انگلیس و هند شرقی، نمونهٔ روشنی را از نقش بازی شده توسط این شرکت ها در اجراء سیاست خارجی این شرکت - که منظور مبادلات تجارتی با هند تأسیس گردیده بود- در برابر چشمان ما قرار می دهد.(۶)

این کمپنی بدون درنگ، مناطق نفوذ خود را گسترش داده و هند و مناطق خلیج عربی و بحیرهٔ احمر را از طریق باز کردن نمایندگی ها در حلقهٔ نفوذ خویش قرار داد، تا اهدافش را در آن مناطق با استفاده از فرمان شاه ایران (اسماعیل اول) در سال ۱۶۱۷ جامهٔ تحقق بپوشاند. کمپنی هند شرقی و اتباع انگلیس براساس این فرمان، از امتیازات و حقوق مدنی زیادی برخوردار گردیده و از حاکمیت دولت ایران خود را آزاد کردند که در نهایت همه تصرفات مدنی و جنائی آن ها بدور از مراعات قانون دولت اسلامی صورت می پذیرفت.(۷) زیرا آنان با برخورداری از این امتیازات، حق مصؤنیت پیدا کرده و تنها از سفیر انگلیس تبعیت می نمودند که تنها قانون دولت انگلیس بر آن قابلیت تطبیق را داشت و بس.

از آنجا که قانون دولت انگلیس صراحتاً با شریعت اسلامی در تعارض قرار داشت آن ها بر طبق خواستهٔ خود ـ از سود گرفته تا قمار شراب و زنا ـ بدون این که هراسی از قوانین اسلامی داشته باشند انجام می دادند که تأثیر بدی را در آیندهٔ تشریعی و قانون گذاری کشورهای اسلامی به جا گذاشت.

این شرکت مرکز خویش را با نیروی نظامی نیز مجهز کرد تا از آن در مجازات حکمروایان مخالف منافع خویش استفاده نماید.

«جان پروتس» یکی از کارمندان این شرکت، این حقیقت را مورد اشاره قرارداده و در مورد گفته است: «باید تذکر داد که روابط بین برتانیهٔ کبیر و مستعمرات آسیایی در چهرهای مختلف تبارز کرده است، این روابط با تجازت آغاز و با سلاح جوان شده و باتسلط و غلبه بر مناطق و اقالیم توسط معاهدات و تهاجمات پایان یافته است.(۸)

«چارل» دوم در سال ۱۶۶۱م با در نظر داشت دست آورد های عملی به وجود آمده توسط این شرکت در انفاذ سیاست خارجی برتانیه توسط گسترش این نفوذ در کشورهای اسلامی و غارت دارایی های آنان و مقاومت در برابر رقابت اروپایی، فرمانی برای این شرکت صادر کرده و در آن اعلان کرد که این شرکت به گونهٔ دایمی یک نهاد سیاسی مشترک بوده و صلاحیت های وسیعی را، در خریداری زمین ها و تصرف و بیع آن ها، احتکار تجارت در مناطق تحت نفوذ خود، تسلط بر مراکز تجارتی، تأسیس مستعمرات، تعیین احکام و موظفین، ترتیب قوانین، مجهز نمودن لشکر، اعلان جنگ و عقد صلح با حکام غیر مسحیان شرقی، به آن داد.(۹)

اعطاء اینگونه صلاحیت ها برای این کمپنی بیانگر این امر است که کمپنی از حکومت مستقلی بر خوردار بوده و در ادارهٔ امور هند، ایران، عراق و سایر مناطق خلیج عربی تنها از برتانیه اطاعت دارد و بس. آنچه این مدعا را مورد تأیید قرار می دهد همانا امتیازات چاپ پول در مناطق تحت نفوذ خود است که در سال ۱۶۶۷ آن را بدست آورد.

امتیاز دوم همان بر خورداری این کمپنی از حق حاکمیت تمام عیار بر جزیرهٔ بمبئی است که از آن به حیث مرکز اشراف بر همه شؤن مربوط به شرکت و منافع آن، در منطقه خلیج بحیرهٔ احمر، استفاده می کرد.

واقعیت های یاد شده بیانگر این حقیقت است که این شرکت، تجارت و سیاست را به هم آمیخته است.

در تائید مطلب فوق می توان به قدرت این شرکت در توجیه سیاست ادارهٔ مناطق تحت نفوذ آن اشاره کرد که والی بغداد سلیمان کوچک را از منصبش برکنار و به دلیل اجراآتی برخلاف منافع شرکت انجام داده بود در سال ۱۸۱۰م محکوم به اعدام کرد.(۱۰)

مآخذ

محمد قاسم / تأریخ اروپا الحدیث ص ۲۳۶- ۲۲۷
احمد سعید / الحرب القصاد به العظمی ص ۱۵، ۱۶ به نقل از کتاب انبوه الاقصادیه کربس همالیسک
فواد محمد شیل اسیاسات الاقتصادیه چاپ قاهره ۱۹۵۵ ص ۷
همین مرجع ص ۹
النشاط الحتیاری اسیاس به نقل از اتشریع الاسلای والفروالقادری ص ۳۰۰
اولیفر / الأسمالیه نظا ترجمه به عربی توسط ابراهمی کبه، به نقل از تسریع الاسلامی و انفراوالقانونی تالیف داکتر ساجر ناصرالصبوحی ص ۳۰۱

هر خار و گل آینهٔ تعظیم بهار است ...

زیبایی وطراوت بهار و قشنگ شدن زمین اعم از دره وباغ ودامان و دلانگیز شدن طبیعت وباربر شدن خاک و...میسرنمی شود ، مگر به وسیلهٔ جلوه وشکوه درختان سرسبز و رویش گل ها وگیاهان ... ! لذا هستی نه تنها در نبود درخت بی نمود است وعاری از زیبایی ، بلکه هرگزمجال آن مهیا نمی شود که آدمی بخواهد به استقبال باد بهاری برود و یا یاد بهاران کند ... ، تاجان را درمعرض نوازش نفخه های الهی قرار داده باشد!

هرگاه درخت فراوان بود،باران فراوان می شود.آنگاه که باران به سخاوت پرداخت،سرنوشت چشمه ساران به خشکیدن نمی کشد ودریاازخروشیدن نمی ایستد.

سحاب صفت بودن و دریا گونه اندیشیدن و خروشیدن و اندیشه های تشنه را با چشمه سار محبت و صمیمیت سیراب ساختن و از مرداب حسد و بُغض وکینه درکنار ماندن ، خصلت بهارکیشان است!

نم تم باران وگریه ی دلنواز آسمان، فیض آفرین است و دریا بخش و بار افزا و ثمرخیز وآفرینندهٔ جوش گل و سبزه:

"شب حرمان فرو بسته است عصیان گاه هستی را
اگر اشکی به درد آید چراغان می توان کردن "

سخن از دریا رفت ، بی مناسبت نیست تا وصف جلوه وشکوه وسخاوت ناکرانمندش بر طراوت یادکرد بهاری ما نیز بیافزاید. بنا بر این بایدگفت:

و اما «دریا، از کسی است که ایثار می داند.آبی درقطره معنی می شود و سبز دردانه. دانه یی که، در دل خاک به بودنش پیچیده است سبز را نخواهد خواند. سبز سرود دانه یی است که ازخودش بریده است وخود حقیر را به خاک بخشیده است.

و قطره یی که به خویشتن می اندیشد و از قطره ها می ماند ، شبنم است؛ گرچه زیبا، اما حقیرکه با اولین تابش خورشید، هیچ می شود. سبز را از دانه های سالم نپرسیم وآبی را به عبث از دانه های شبنم نخواهیم، که این هردو با "آبی" و "سبز" بیگانه اند که اینها رنگ باهم بودن است، نه رنگ تنهایی".

***

بهار فراخوان بیداری است و بر افگندن کوله بار غفلت وتنبلی وفریب وریاکاری، از دوش، وکشور آباد نمی شود، الا با این پدیده و این روح عالی.

هرسحرگاهی که نسیم دامن کشان از دشت وکهسار سر به فلک کشیده می رسد وچهرهٔ آدمیان را نوازش می دهد، پیغامش اینست:

"هر خار وگل آینهٔ تعظیم بهار است
ای کوفتهٔ خواب گران یک مژه برخیز"

و یا:

" ما را در این ستمکده تدبیر عافیت
ارشاد بسمل است که باید تپید ورفت"

بایست درست چون بهاران بود که طرب گستر است و روشنی آور. همان گونه که طبیعت درفصل بهار به سمت نور و درجهت نقطهٔ اعتدال حرکت می کند، شکوفایی دل نیز زمانی بیشتر فراهم می گرددکه "حرکت به سوی خورشید معنی را فرا روی خود قرار دهد."

چگونه یک مقاله بنویسیم؟

(برای نو آموزان)

ترجمه: مهدی

مقاله چیست؟

تعیین موضوع

نخستین گام برای نوشتن یک مقاله یا مطلبی تعیین موضوع مقاله است، شما باید نخست تصمیم بگیرید که در چه بخشی و در چه موضوعی می خواهید مقاله بنویسید. موضوعاتی فراوانی پیش روی شما قرار دارد، اگر شما در یافتن موضوع دچار تردید هستید، برای یافتن موضوع وسوژه به پیرامون خویش نظر بیندازید، موضوعات فراوانی است که توجه شما را جلب می کند. درباره مسایل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و مسایل دیگر فکر کنید، به شهر وجامعهٔ خویش نظر بیندازید، مشکلاتی که مردم دارند وخودشما دارید، می تواند سوژه خوبی برای یک مقاله یا نوشته باشد. در این مرحله سوژه خویش را ارزیابی نکنید و تنها مطالبی را که در فکر تان می رسد بروی کاغذ بریزید.

تعیین عنوان مقاله:

پس از تعیین موضوع، در گام بعدی شما باید برای موضوع خویش عنوان انتخاب کنید، زمانی که شما عنوان مناسب را انتخاب کردید، می توانید گام بعدی را بردارید. اگر ذهن شما چندین عنوان را در نظر دارد، درباره هر یک از آن عنوان ها به طور جداگانه فکر کنید. احساس تان را درباره هریک از آنها مورد تأمل قرار بدهید.

قبل از این که خود را برای نوشتن مقاله آماده نمایید، یک بار دیگر به عنوانی که انتخاب نموده اید، نظر بیندازید ودر بارهٔ مطلبی که می خواهید بنویسید فکر کنید.

باید دقت کنید عنوانی که در نظر گرفته اید، مناسب و دقیق است یا این که کلی وگسترده؟ اگرعنوان کلی باشد، باید یک عنوان جزئی تر ومحدودتری را برای مقاله خویش برگزینید یا همان عنوان را با افزودن واژه دیگر محدود تر و مشخص تر بسازید، برای مثال عنوان (افغانستان) یک عنوان کلی است، اگر هدف شما نوشتن وارائهٔ یک نظراندازی است، این عنوان شاید مناسب باشد. اما اگر هدف شما ارائهٔ تجزیه وتحلیل است، این عنوان بسیار کلی وگسترده بوده لازم است آن را به عناوینی مانند (سیاست در افغانستان) یا (فرهنگ افغانستان) یا (افغانستان پس از ۱۱ سپتامبر) محدود بسازید.

در مورد محتوا و موضوعاتی که می خواهید شامل نوشتهٔ شما باشد، زیاد فکر کنید و موضوعات وبخش های عمدهٔ آن را در ذهن تان مشخص سازید.

قالب بندی و سازماندهی مطالب

البته شما قبلا در مورد مقالهٔ که می خواهید بنویسید، زیاد فکر کرده اید و مطالب اساسی ونکات مهم آن را در ذهن خویش دارید، اکنون موضوع مورد نظر خود را در قالب یک طرح یا نمایه بر روی کاغذی رسم کنید، در این نمایه شما در حقیقت اسکلیت و استخوان بندی موضوع خود را رسم می کنید و نکات اصلی را مشخص می سازید.

ترسیم نمایهٔ موضوع:

۱- در آغاز ورقی را پیش روی خود قرار دهید، با قلمی که در دست دارید، یک دایره، یا خط افقی ویا هر شکلی که می پسندید در وسط آن ورق رسم کنید.

۲- در داخل شکل ویا دایره، عنوان مقالهٔ خویش را بنویسید.

۳- از وسط شکل یا دایره، به طرف حواشی ورق سه یا چهار خط، به تعداد نکات اصلی موضوع خویش رسم کنید.

۴- در پایان هر یک از این خطوط، یک دایره یا شکل ویا هر چیزی که می پسندید رسم کنید.

۵- در درون هر شکل یا دایره ، یکی از نکات مقالهٔ خویش را بنویسید.

۶- در زیر یا در پهلوی هر یک از اشکال ویا هر یک از خطوط که یکی از نقاط عمدهٔ مقاله شما نوشته شده است، مسایل و موضوعات وابسته به آن را در قالب جملات بنویسید.

۷- زمانیکه شما این مرحله را انجام دادید، ساختار اساسی مقاله خویش را آماده کرده اید.

اگر برای شما دشوار است که در آغاز عناوین فرعی یا نکات اصلی مقالهٔ خویش را بنویسید، یا نوشتهٔ شما طوری است که نیاز به عنواین جانبی ندارد، می توانید مطالب اصلی مقالهٔ خویش را دست بندی نمایید وآن را تحت دسته های که با اعداد مشخص گردیده بنویسید.

و به این ترتیب طرح خویش را آماده نمایید:

۱- عنوان نوشتهٔ خویش را در بالای صفحه بنویسید.

۲- بعداً، اعداد (۱، ۲، ۳) را در قسمت راست صفحه بنویسید.

۳- در پهلوی هر یک از اعداد ، مطالب مهم مقاله تان را بنویسید.

اگر شما می خواهید در مقالهٔ خویش یک حادثهٔ را توضیح دهید، باید مراحل لازم این حادثه را بنویسید. شما احتمالاً ضرورت خواهید داشت این مراحل را دسته بندی کنید. اگر شما در دسته بندی دردسر دارید می توانید این مراحل را به مراحل آغازین، میانه و پایانی دسته بندی نمایید.

برای مقاله خویش مقدمه بنویسید

حالا که شما تصمیم گرفتید چه نوع اطلاعات ومسایلی را در مقاله خویش درج نمایید، لازم است به نوشتن مقدمه اقدام کنید.

مقدمه بیان می کند که مقاله دربارهٔ چه موضوعی نوشته شده ونویسنده چه نکاتی را خواسته است بیان نماید.

مقدمه باید کوتاه باشد و حدود یک یا دو بند باشد. در نوشتن مقدمه شما باید به طرح ونمایهٔ خویش نظر بیندازید و در نوشتن مقدمه از آن استفاده کنید. تصمیم بگیرید چه نکاتی را باید شامل سازید. نظریه های اصلی وجانبی که شما در طرح خویش درج نموده اید، موضوع مقاله شما را بیان می کند.

مقدمه باید طوری طراحی شده باشد که توجه خواننده را به خود جلب کند و محور مقاله تان را به خواننده معرفی نماید.

در مقدمه شما در بارهٔ عنوان و هم در بارهٔ موضوعات شامل مقاله مطالبی را می نویسید.

پس از آن بدنه یا متن مقاله را بنویسید.

نوشتن متن یا بدنهٔ مقاله مهمترین مرحلهٔ نوشتن و آماده کردن مقاله است. در نوشتن متن از تمام آماده گی های که تا هنوز گرفته اید، استفاده نمایید.

عنوان انتخاب شده را حالا باید تشریح ومورد بحث قرار دهید. هر نظریه اساسی را که شما در نمایه یا طرح خود نوشتید، مایه یا بدنهٔ یک یا چند بند(پاراگراف) را شکل خواهد داد، اگر شما سه یا چهار نظریهٔ اساسی دارید، شما دست کم سه یا چهار پاراگراف خواهید داشت.

هر پاراگراف دارای ساختار مشابه با دیگر پاراگراف ها خواهد بود.

۱- یکی از نکات کلیدی خویش را در قالب جملات بریزید.

۲- بعداً، با همین شیوه نکات دیگر مقاله خود را بنویسید، اما جای چهار یا پنج سطر را در میان هرپاراگراف سفید بگذارید.

۳- در سطرهای خالی موضوعاتی را که بعدا در رابطه با نکتهٔ مورد نظر در ذهن شما ایجاد می شود بنویسید، این مطالب می تواند شرح یا بحث بیشتر برای پارگراف شما باشد.

نتیجه

مجموع نکات یا نتیجه گیری نهایی نوشتهٔ خویش را برای خواننده بیان کنید.

هفتاد درصد مردم افغانستان از فقر شدید رنج می برند ...

این فساد اکنون چنان گسترده و آشکار گردیده است که حتی رئیس جمهور نیز به وجود آن اعتراف می نماید، وی در سخنرانی خویش به مناسبت آغاز به کار دور جدید ریاست جمهوری اش اعتراف نمود که برخی از مقامات و کارمندان دولت در یک یا دو سال چنان ثروت می اندوزند که رخصتی های خویش را در دبی و دیگر شهر های پیشرفته دنیا می گذرانند، در حال که به گفته وی حتی رئیس جمهور افغانستان نمی تواند با معاش خویش رخصتی هایش را در دبی بگذراند.

اما متأسفانه با آن که رئیس جمهور از وجود فساد در دولتش آگاه کامل دارد، اما عملاً هیچ کار موثری برای جلوگیری از آن تا کنون انجام نداده است. صاحب نظران علت اصلی بی ثباتی و جنگ در کشور را فساد گسترده در حکومت می دانند که باعث نا رضایتی در میان شهروندان شده است.

عامل دیگر شیوع فقر در کشور، نبود زمینهٔ کار و نبود منبعی برای در آمد شهروندان است. دولت تا هنوز هیچ طرحی قابل ملاحظه را برای ایجاد اشتغال و زمینه های کار و افزایش تولید روی دست نگرفته است. منابع اقتصادی افغانستان مانند آب و زمین و معادن، همچنان دست نخورده باقی مانده، هیچ پروژه به منظور استفاده از این منابع توسط دولت و قدرت های خارجی اجرا نشده است.

در صورتی که تغییرات اساسی در وضعیت به میان نیاید، دامنه فقر در کشور روز تا روز بیشتر شده و مردمان زیادی از تهیه غذای خویش نا توان خواهند شد و در عین حال یک اقلیت کوچک پول بیشتر و رفاه فراوان بدست خواهند آورد.

آلمان نمی خواهد پولش را در افغانستان به هدر بدهد



دیرک نیبل، وزیر توسعه و همکاری های اقتصادی آلمان، شرایط ویژه‌ای را برای اداهٔ کمک‌های مالی کشورش به افغانستان تعیین کرد. وی در کابل، مبارزه با فساد و ظهور نتایج ملموس پیشرفت را شرط ادامه و افزایش این کمک‌ها دانست.

آلمان از سال۲۰۰۲ تا کنون حدود ۱/۱ میلیارد یورو به بازسازی افغانستان کمک کرده است. قرار است کمک‌های آلمان در سال‌های آینده افزایش یابند. دیرک نیبل (Dirk Niebel) وزیر توسعه و همکاری‌های اقتصادی کابینهٔ مرکل، روز پنجشنبه هفتهٔ گذشته، در دیدار خود از کابل اعلام کرد که دولت کرزی باید نتایج این کمک‌ها را نشان دهد. به گفتهٔ نیبل: "جمهوری فدرال آلمان قصد دارد تلاش‌های غیرنظامی خود (در افغانستان) را دو برابر کند، اما ما پول خود را دور نمی‌ریزیم. مالیات‌دهندگان آلمانی برای این پول‌ها زحمت زیادی کشیده‌اند."

وزیر آلمانی شرایطی را برای ادامه کمک‌های آلمان به افغانستان تعیین کرد: اگر بنا باشد پول بیشتری پرداخت شود، باید تغییرات ملموس باشند.

آلمان کمک‌های سالیانهٔ خود به دولت افغانستان را به ۴۳۰میلیون یورو ـ تقریباً دو برابر ـ رسانده است. چنین رقمی طمع فساد را هم افزایش می‌دهد. به گفتهٔ نیبل، دولت افغانستان باید گام‌های جدی‌تری در مبارزه با فساد بردارد. وزیر توسعهٔ آلمان بدین ترتیب با درخواست‌های جهانی از کابل هم‌صدا شد.

اشتافان دو میستورا، رئیس هیأت نمایندگی سازمان ملل در افغانستان، نیز معتقداست که باید فشارها برای مبارزه با فساد در این کشور افزایش یابند: "وقتی دولت افغانستان مدیریت می‌کند، نباید تنها در برابر مالیات دهندگان آلمانی، بلکه در مقابل شهروندان افغانستان نیز احساس مسؤولیت کند. پول بسیاری به این کشور وارد می‌شود و باید پیشرفت‌ها نمایان باشند. به همین دلیل باید فشارها برای حرکت به جلو را افزایش داد".

حامد کرزی رئیس جمهوری افغانستان، پس از دیدار با وزیر توسعه‌ی آلمان، کنفرانس مطبوعاتی برگزار نکرد. عمر زاخیلوال، وزیر مالیهٔ افغانستان، پس از گفتگو با دیرک نیبل تأیید کرد که وضعیت مالی کشور را بهتر کند تا کمک‌های مالی به سمت فساد سرازیر نشوند.

نیبل پس از گفت‌وگوهای اقتصادی با مقام‌های افغانستان به شمال این کشور سفر می‌کند، به جایی که بر اساس تصمیم برلین، در کانون کمک‌رسانی مالی آلمان قرار خواهد گرفت. هدف این کمک‌ها افزایش قدرت نهادهای قانونی منطقه یی است، بدین ترتیب که پول به‌دست مقام‌های محلی مدیریت و در پروژه‌ها سرمایه‌گذاری می‌شود. نتیجه این خواهد بود که این مقام‌ها رفته‌رفته در منطقه احترام و جایگاهی با ثبات پیدا می‌کنند.

هدف دیگر رسیدگی به وضعیت خارج از شهرهاست. نیبل به پروژه‌هایی سر خواهد کشید که الگویی برای تحقق این هدف هستند.

هفته نامهٔ

مجاهد

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قران کریم

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.

● مطالب آمده مسترد نمی گردد.

● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم – سال دهم – شمارهٔ دوم ١٤ حمل ١٣٨٩ – ١٧ ربيع الثانى ١٤٣٠ - 03 April 2010

د سولې ملي مشورتي جرگه

څپاند

ویل کیږي چې د ثور د میاشتې په دویمه اوونۍ کې د سولې ملي مشورتي جرگه را بلل کیږي. د دې جرگې په اړه له ډیرې مودې راهیسې خبرې او تبصرې اورو او خدای خبر چې د حکومت له خوا یوه طرحه ده یا د بهرنیانو له خوا یا د دواړو؟

د لندن له کنفرانس نه ترننه پورې د دې جرگې په اړه موافق او متضادې خبرې اورو. په اول سر کې د حکومت دا اراده وه چې لویه جرگه را وبلي، خو د لویې جرگې د رابللو لپاره قانوني موانع شته. تراوسه پورې د ولسوالیو د شوراگانو لپاره ټاکنې نه دي ترسره شوي او دا شوراگانې وجود نه لري چې د لویې جرگې یوه برخه جوړوي!

نو بیا د حکومت له خوا په الفاظو کې یوځه بدلون راغی او د ملي یا د سولې د جرگې خبره پورته شوه! اوس معلومه شوې ده چې دا جرگه د سولې ملي مشورتي جرگه به وي خو دا معلومه نه ده چې د مخالفینو له لیکونه کومې ډلې به گډون ولري؟

د حکمتیار صاحب تر مشرتابه لاندې اسلامي گوند، خو لا دوخته یو هیأت لیږلی او د دولت له ځینو اراکینو او سیاسي او جهادي مشرانو سره خبرې، هم کړیدي...

دوی ویلي دي چې نظام منو، اساسي قانون منو او په دولت کې چې زمونږ کوم کسان دي، دا کافي نه دي او باید زمونږ ونډه زیاته شي او...

له دې نه معلومیږي چې دوی له جرگې نه مخکې، په خپل دریځ کې واضح بدلون راوستی او یواځې د ځینو تغییراتو او تعدیلاتو غوښتونکي دي!

د دوی دا نوی دریځ په واقعیت کې ز مونږ (اسلامي جمعیت) د دریځ تأیید او پیروي ده. مونږ له اتو کلونو راهیسې د مثبت بدلون غوښتونکي یو. نظام منو، اساسي قانون منو خو د تغییراتو او تعدیلاتو پلویان یو. هره بدلون باید د قانون پر بنسټ رامنځ ته شي او هره خبره او هر طرح باید په سوله ایزه توگه وړاندې او تعقیب شي.

پاتې شوه د طالبانو دریځ! د دوی په دریځ کې لاتر اوسه کوم بدلون نه لیدل کیږي. ځيني وايي چې طالبان ټوټې دي او واحد مشرتابه نلري. کیدای شي حکومت له یوې ډلې سره مفاهمت او خبرې ولري او دوی دې ته حاضر او چمتو شي چې په جرگه کې برخه واخلي!

ځیني وايي چې طالبان په مجموع کې د شرقي گاونډي لاس پوڅي دي او د تصمیم نیولو واک نلري. ځیني وايي چې یوه ډله یې له پخوا حکومت سره خبرې اترې لري او د دوی مشران د پاکستان د حکومت له خوا نیول شوي دي. نو آیا دوی کولای شي چې د هغه حکومت له همغږۍ پرته په جرگه کې شامله شي! او که چیرې دا کار وشي نو د نیول شویو مشرانو برخلیک به څنگه وي؟

په کار وه چې حکومت کم تر کمه پنځوس په سلو کې، واقعیتونه خلکو ته یا د خلکو استازو ته ووایي او خلک په تیاره، ترکمۍ او تورتم کې خوشې نکړي! دا د خلکو حق دی چې د خپل برخلیک په هکله چې کومې خبرې کیږي او یا جرگه جوړیږي، له هغه نه باید بشپړ خبر اوسي او د هغوی نظر وغوښتل شي او بیا اجراآت پیل شي.

ساده سازی محافل عروسی



روز پنجشنبهٔ گذشته همایشی به همین عنوان از سوی جمعی از بدخشانیان مقیم کابل در رستورانت کابل ننداری شهر کابل بر گزار شد در این همایش بیش از سه صد نفر از بزرگان و جوانان بدخشان به شمول استاد برهان الدین ربانی رهبر جهاد و مقاومت شرکت ورزیده بودند.

استاد برهان الدین ربانی پیرامون افزایش مهریه ها و مخارج کمرشکن مراسم عروسی و اثرات بدی اجتماعی آن سخنانی مبسوط ایراد کردند و ضمن حمایت خویش از چنین بر نامه هایی، از تجارب موفق برخی از کشور های مسلمان در این زمینه سخن گفتند و برای موفقیت چنین طرحی پیشنهاد هایی سودمند ارائه کردند.

همچنان الحاج محمد شریف فروغ یکی از تاجران ملی، و دکتر محمد ایاز نیازی استاد دانشکدهٔ شرعیات دانشگاه کابل، آقای واقف حکیمی، خانم فوزیه کوفی عضوی مجلس نمایندگان، و سیف الدین سیحون استاد دانشکدهٔ اقتصاد دانشگاه کابل و خانم اورانوس نیز در این همایش سخنرانی کردند و این مشکل را از پهلو هایی گوناگون مورد ارزیابی قرار دادند.

در این همایش منشوری هفت ماده یی مورد اتفاق قرار گرفت که با تطبیق آن مخارج محافل عروسی خیلی کاهش خواهد یافت و زمینهٔ عقد ازدواج جوانان را تسهیل خواهد کرد.

اکنون در جامعهٔ افغانستان و از جمله ولایت بدخشان پسران و دختران جوانی که به دلیل مخارج کمر شکن مراسم عروسی و رواج های دست و پای گیر نمی توانند ازدواج کنند رقمی بلند را می سازند، این مسأله به یک معضل بزرگ اجتماعی در افغانستان تبدیل شده است.

حل این مشکل به توجه نهاد های دولتی و مدنی و مشارکت مردمی نیاز دارد، و این همایش بدخشانیان می تواند گامی در این راستا باشد.

در پایان همایش الحاج محمد شریف فروغ و الحاج محمد یعقوب عصمتی دو تن از تاجران بدخشانی هر کدام متکفل پرداخت مخارج مراسم عروسی گروهی از جوانان کم بضاعت بدخشان شد که به تحسین حاضران مواجه گردیدند.

افغانستان در تولید چرس نیز مقام اول را در جهان به دست آورد!

بر اساس گزارشی که از سوی دفتر مبارزه علیه مواد مخدر و جنایت سازمان ملل متحد انتشار یافته است، افغانستان در تولید چرس مقام نخست را در میان کشورهای دنیا به دست آورده است.

در گزارشی که به تاریخ ۱۱ حمل انتشار یافته است، گفته شده در افغانستان سالانه از ۱۵۰۰ تا ۳۵۰۰ تُن چرس تولید می شود. در این گزارش آمده است زمین های تحت کشت افغانستان بین ۱۰ تا ۲۴ هزار هکتار می باشد.

آنچه که مایهٔ شگفتی است این که میزان حاصل دهی دانه های چرس در افغانستان سه برابر متوسط حاصل دهی این مادهٔ مخدر در جهان می باشد. در افغانستان در هر هکتار زمین ۱۴۵ کیلوگرام حشیش تولید می شود در حالی که در مراکش در هر هکتار زمین تنها ۴۰ کیلوگرام تولید می شود.

در اعلامیهٔ دفتر مبارزه با مواد مخدر سازمان ملل ذکر شده است که ارزش تولید چرس در افغانستان بیش از ۴۰۰ میلیون دالر است، این رقم معادل ۱۰ تا ۲۰ درصد ارزش حاصل از تریاک در سال ۲۰۰۹ می باشد.



در اعلامیهٔ سازمان ملل گفته شده با توجه به حاصل دهی بالای چرس در افغانستان، درآمد این ماده بیشتر از تریاک می باشد، اما دهقانان افغانستان بیشتر به کشت تریاک علاقه نشان می دهند.

در این اعلامیه علاوه شده است که کشت چرس نیز مانند تریاک بیشتر در مناطقی صورت می گیرد که شورشیان فعالیت دارند، در این گزارش مناطق جنوب افغانستان محل کشت چرس و تریاک خوانده شده است.

افغانستان از چند سال بدینسو در کشت و تولید تریاک در مقام نخست در سطح جهان قرار دارد. در سال ۲۰۰۹ در افغانستان حدود ۶۹۰۰ تُن تریاک تولید شده است که ۹۰ درصد تریاک جهان را تشکیل می دهد.

گزارش اخیر سازمان ملل در حالی انتشار می یابد که حکومت افغانستان ادعا می کند دست آوردهای در از میان بردن تولید مواد مخدر داشته و ۲۴ ولایت را عاری از کشت مواد مخدر ساخته است.